کیهان

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴ □ ۲۱ شعبان ۱۴۴۷ □ ۱۰ فوریه ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۰۷۵

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۱۸، اذان مغرب: ۱۸/۰۰، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۶، اذان صبح(فردا): ۵/۳۱، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۵۶

ژاپن، بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان را به کار انداخت

ژاپن اعلام کرد که فعالیت بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان را از سرگرفته است.

بروز مشکل در زنگ هشدار نظارتی نیروگاه اتمی بزرگ ژاپن، در ابتدای سال میلادی، راه‌اندازی مجدد آن از زمان فاجعه فوکوشیما را به حالت تعلیق درآورده بود. حالا، به گزارش «ایرنا»، شرکت برق ژاپن اعلام کرده فعالیت بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان پس از آن‌که تلاش قبلی برای راه‌اندازی آن به دلیل یک اشکال جزئی متوقف شده بود از سرگرفته شده است. این نیروگاه، پس از زلزله و سونامی عظیم در ژاپن در سال ۲۰۱۱ و همزمان با اختلال در سه راکتور نیروگاه اتمی فوکوشیما، از مدار خارج شده بود. ژاپن برای کاهش وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی، دستیابی به توان خنثی‌سازی کربن تا سال ۲۰۵۰ و تأمین نیازهای رو به رشد انرژی از طریق هوش مصنوعی، به انرژی اتمی روی آورده است. خانم «سانائه تاکایچی»، نخست‌وزیر محافظه‌کار، که روز یکشنبه پیروزی قاطعی در انتخابات کسب کرد به دنبال ترویج استفاده از انرژی هسته‌ای برای تأمین انرژی مورد نیاز کشور است.

ترامپ: با این انتخابات مایه تمسخر جهان شده‌ایم

«دونالد ترامپ» در اظهاراتی با بیان اینکه انتخابات آمریکا در سراسر جهان به عنوان انتخاباتی تقلبی، دستکاری شده و مضحک شناخته می‌شود، تاکید کرد: انتخابات آمریکا در جهان مایه تمسخر شده است.

ترامپ در ادامه حملات خود به سیستم انتخاباتی آمریکا در پیامی در حساب کاربری خود در رسانه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) نوشت: انتخابات آمریکا در سراسر جهان به‌عنوان انتخاباتی مضحک شناخته می‌شود؛ ما یا باید این وضعیت را اصلاح کنیم، یا دیگر کشوری نخواهیم داشت. به گزارش ایرنا وی همچنین با اشاره به اینکه همه رأی‌دهندگان آمریکایی باید کارت شناسایی معتبر ارائه دهند، افزود: همه آنها باید برای ثبت‌نام، مدرکی دال بر شهروندی آمریکا ارائه کنند. ترامپ در پایان با بیان اینکه رأی‌گیری پستی باید به‌جز در موارد بیماری، معلولیت، خدمت نظامی یا سفر ممنوع شود، تاکید کرد: از همه جمهوری‌خواهان می‌خواهم در راه دستیابی به موارد فوق مبارزه کنند.

نگاه

جزیره فحشا و نسل‌کشی مردم غزه دو روی واقعی غرب

مترجم: سید محمد امین آبادی

پرونده‌های اپستین کمتر شبیه به یک رسوایی و بیشتر به اسناد اداری می‌ماند؛ شهادت‌هایی که در دل اظهاریه‌ها، سوگندنامه‌ها و توافق‌های حقوقی تا خورده‌اند. تجربه انسانی به مواد پرونده فروکاسته شده و از هرگونه فوریت اخلاقی تهی شده است. سوءاستفاده از کودکان به‌صورت گسستی در نظمی اخلاقی آشکار نشد بلکه این سوءاستفاده در قالب یک فرآیند مدیریت‌شده پیش رفت. دختران از مسیر آسیب‌پذیری و فقر جذب شدند. سپس به آنان پول داده شد و ساکت نگه داشته شدند. وکیلان میزان خطر را سنجیدند. نهادها، خطر را مدیریت کردند. اعتبارها حفظ شد. آسیب انکار نشد، بلکه عادی‌سازی شد.

یکی از بازماندگان به نام «ویرجینیا جوفری»، توصیف می‌کند که چگونه از او سوءاستفاده شد و سپس به مردان دیگر سپرده شد. دیگری، «ماریا فارمر»، توضیح می‌دهد که خیلی زود فهمید اهمیتی ندارد و فقط برای ارضای امیال کسانی وجود دارد که هرگز با پیامد کارهای زشت خود روبه‌رو نخواهند شد. این‌ها استعاره نیستند. این‌ها توصیف‌های رویه‌ای از نحوه مواجهه قدرتمندان با بی‌قدرتان است. با این حال، چنین افشاگری‌هایی هرچند به‌غایت مشمئزکننده است، اما نباید ما را شگفت‌زده کند. نخبگانی که مدت‌ها در کشتار انسان‌ها در آن‌سوی مرزهای غرب تمرین کرده‌اند، چرا باید ناگهان در داخل کشور خود به مرزهای اخلاقی پایبند بمانند؟

دهه‌هاست که شواهد پنهان نبوده‌اند. از تلویزیون پخش می‌شدند. در عراق، تحریم‌ها و جنگ به مرگ صدها هزار کودک انجامید؛ تلفاتی که ابتدا به رسمیت شناخته شد و سپس به‌عنوان بهای سیاست توجیه شد. شهرها با خاک یکسان شدند، زندگی غیرنظامیان از میان رفت، و ویرانی با عناوینی چون راهبرد، امنیت و منافع ملی توجیه شد. در «ابوغریب»، بازداشت‌شدگان برهنه شدند، مورد آزار جنسی قرار گرفتند، از آنان عکس گرفته شد، تحقیر و مسخره شدند. بدن‌هایشان به ابزار سلطه بدل شد؛ رنج‌شان ثبت شد، برای مدتی رسوایی آفرید و سپس به فراموشی سپرده شد.

حقیقتی که مدت‌ها در جوامع غربی نادیده گرفته شد این است: نخبگانی که حاضرند در خارج جمعیت‌ها را از گرسنگی به مرگ بکشانند، شهرها را نابود کنند و بازداشت‌شدگان را به طور بی‌رحمانه شکنجه جنسی کنند، در داخل نیز هیچ ابایی از درهم‌شکستن کسانی که فروتر می‌پندارند ندارند. مرز میان خشونت خارجی و اخلاق داخلی همواره تخیلی و افسانه‌ای برای آرام کردن مردم بوده است. آنچه در خارج با بیانیه‌ها، سانسور و ابزار نگرانی‌های حساب‌شده مدیریت می‌شود، در داخل با توافق‌ها و قراردادهای عدم افشا سامان می‌یابد. ویرانی غزه توسط همین نخبگان یک ناهنجاری اخلاقی نیست. این ویرانی به همان معماری تعلق دارد. همان سلسله مراتب ارزش انسانی. همان فرض که برخی از جان‌ها کاملاً انسانی هستند، در حالی که برخی دیگر ارزشی ندارند.

کودکانی که در جزیره‌ای خصوصی در کارائیب مورد سوءاستفاده قرار گرفتند. کودکانی که زیر آوار در غزه به خاک سپرده شدند. کودکانی که بی‌سر و صدا و برای ارضای امیال ثروتمندان و قدرتمندان سوار هواپیماهای اختصاصی شدند، تا بدون هیچ عواقبی مورد سوءاستفاده قرار بگیرند. کودکانی که با هواپیماهایی بمباران شدند که بارها و آشکارا برای منافع راهبردی قدرتمندان فرستاده می‌شدند همگی دو روی یک سکه هستند.

عاملان این خشونت با همان حس تزلزل‌ناپذیرِ حق به جانب بودن و مصونیت پیش می‌روند؛ با این باور که حق دارند سرنوشت دیگران را تعیین کنند و اگر بخواهند آنان را درهم بشکنند، چه در فلوریدا و چه در غزه. همین طبقه اکنون بر سرمایه جهانی سیطره دارد. الیگارش‌های فناوری، سرمایه‌داران مالی و سوداگران جنگ که در داخل ثروت استخراج می‌کنند و در خارج از ویرانی سود می‌برند، همگی در همان اکوسیستم نخبه‌گرایانه‌ای رفت‌وآمد می‌کنند که اپستین آن را پرورانده بود. چهره‌ها ممکن است متفاوت باشند؛ منطق تغییری نکرده است. بهره‌کشی این‌جا. نابودی آن‌جا. سود همه‌جا.

در میان چهره‌هایی که به‌راحتی در جهان خصوصی اپستین تردد می‌کردند، «ایهود باراک»، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، قرار دارد؛ کسی که بنابر گزارش‌ها بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ بارها با اپستین دیدار کرده و در چند نوبت در اقامتگاه او در نیویورک اقامت داشته است. براساس مکاتبات منتشرشده، «اپستین» به «باراک» توصیه کرده بود که «به پالانتیر نگاهی بیندازد»؛ شرکتی که در آن زمان در حال ظهور به‌عنوان بازیگری قدرتمند در تحلیل داده، نظارت و نرم‌افزارهای اطلاعاتی بود. این توصیه معنادار است. از اکتبر ۲۰۲۳، شرکت «پالانتیر» شراکتی نزدیک و آشکارا ایدئولوژیک با دولت و ارتش اسرائیل را تعمیق کرده و فناوری خود را به‌عنوان عنصری ضروری در جنگ‌های معاصر مبتنی بر هوش مصنوعی عرضه کرده است. در ژانویه ۲۰۲۴، این شرکت از توافقی راهبردی با وزارت دفاع اسرائیل برای پشتیبانی از عملیات‌های جنگی فعال خبر داد؛ توافقی که با سفر مدیران ارشد این شرکت به اسرائیل برای رسمی‌سازی این شراکت همراه بود. پلتفرم‌های پالانتیر- گاتهام، فاندری و پلتفرم هوش مصنوعی آن- اطلاعات، لجستیک و هدف‌گیری را در هم می‌آمیزند؛ آنچه در دکترین نظامی امروز «زنجیره دیجیتال کشتار» نامیده می‌شود.

این هم‌راستایی صرفاً فنی نیست، ایدئولوژیک است. «الکس کارپ»، مدیرعامل پالانتیر، آشکارا حمایت از اسرائیل را یک «وظیفه تمدنی» صورت‌بندی کرده است. جنگ فقط پشتیبانی نمی‌شود؛ بلکه به طور فلسفی تأیید می‌شود. همان زبانِ ضرورت و معافیت اخلاقی که زمانی سپرِ سوءاستفاده‌های خصوصی بود، اکنون ویرانی عمومی را تقدیس می‌کند؛ با این تفاوت که این‌بار در دل نرم‌افزار کدگذاری شده است. آنچه اپستین در سطح اجتماعی مهندسی کرده بود- دسترسی، مصون‌سازی، درهم‌تنیدگی منافع- شرکت‌هایی مانند پالانتیر امروز در سطح فناوری عملیاتی می‌کنند. تحقیر جان انسان دیگر صرفاً امری شخصی نیست؛ بلکه نهادی، قراردادی و قابل برنامه‌نویسی است. وقتی خشونت تا این حد عمیق- در نرم‌افزار، سیاست و سود- تعبیه می‌شود، دیگر نیازی به پنهان‌کاری ندارد. می‌توان آن را آشکارا، حتی با افتخار، به‌عنوان اصل بیان کرد. آنچه زمانی نیازمند توجیه بود، اکنون اعلام می‌شود.

«قدرت یعنی حق»، چنان‌که «استیون میلر»، مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ، با صراحتی بی‌پرده گفت. این همان اخلاق است؛ در غزه، در ونزوئلا، یا پشت درهای بسته در فلوریدا.

این طبقه صرفاً قدرتمند نیست؛ با حس استثناگرایی پرورش یافته است: استحقاق، امتیاز و مصونیت. در جهانی که آنها زندگی می‌کنند رعایت قواعد برای دیگران است و آنها مصون از پیامدهای عدم رعایت این قواعد هستند. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از این طبقه به‌سوی اپستین کشیده شدند و به‌سادگی در دام او افتادند. آنچه او واقعاً عرضه می‌کرد فقط لذت نبود، بلکه تأیید بود: این‌که نظم اخلاقی معمول بر آنان جاری نیست. پذیرفته‌شدن در مدار او به‌منزله دریافت نشان بود؛ پذیرش در حلقه‌ای درونی که در آن پیامدی وجود نداشت.

اپستین فقط از زوال اخلاقی نخبگان سوءاستفاده نکرد، بلکه آن را به ابزار قدرت تبدیل کرد. احساس «حق‌به‌جانب بودن» ثروتمندان و قدرتمندان را به اهرم فشار بدل کرد، زیاده‌روی‌ها و افراط‌هایشان را به نقطه‌ضعف، و امتیاز و جایگاه اجتماعی‌شان را به تله‌ای که خودشان در آن گیر می‌افتادند. جذابیتِ «خاص‌بودن» و ورود به یک دایره بسته نقش بزرگی در موفقیت اپستین داشت. افراد قدرتمند فقط به‌خاطر فساد یا لذت‌طلبی جذب او نمی‌شدند، حتی صرفاً به این دلیل نبود که تخلف و عبور از خط قرمزها برایشان عادی شده بود. آنچه واقعاً آن‌ها را به دور او جمع می‌کرد، وسوسه پرستیژ و دسترسی ویژه بود؛ این احساس که عضو جمعی هستند که بالاتر از قانون، حساب‌کشی و نظارت قرار دارد و کسی حق سؤال‌کردن از آن را ندارد. قدرتمندان صرفاً در دام او نیفتادند؛ گروگان او شدند. آنچه گمان می‌بردند زمین بازی ممنوعه است، در عمل به دستگاهی اطلاعاتی بدل شد که افراط را به مدرک و تخطی را به آسیب‌پذیری دائمی تبدیل می‌کرد.

طنز زشت و زننده ماجرا اینجاست که همین طبقه خود را معیار جهانی روشنگری و اخلاق به عنوان قله تمدن و داور جهان معرفی می‌کند. دیگر ملت‌ها را قضاوت می‌کند و آن‌ها را عقب‌مانده، غیرعقلانی، خشن یا وحشی می‌نمایاند؛ سپس همین داوری‌ها را به سلاحی برای توجیه سلطه و فرودستی بدل می‌سازد. غزه انحرافی از ارزش‌های نخبگانی که نابودی‌اش را نظاره کردند نبود بلکه اوج و تحقق نهائی همان ارزش‌ها بود. لحظه‌ای بود که طبقه‌ای خوگرفته به اعمال قدرت بی‌مهار، آن قدرت را در برابر چشمان جهانی هراسان و ناظر، به‌تمامی به اجرا گذاشت. پرونده‌های اپستین چهره خصوصی این نظم و غزه چهره عمومی آن را نمایان و آشکار کرد. این دو، در کنار هم، واپسین توهم‌ها را کنار می‌زند و زشتی نخبگانی را آشکار می‌کند که در داخل، آسیب‌پذیران را در سکوت می‌بلعند و در خارج، آشکارا نابودشان می‌کنند. این شکست ارزش‌ها نبود. فرجام منطقی آن‌ها بود.

منبع: میدل ایست آی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

پس‌لرزه‌های رسوایی «جزیره فحشا» استعفای مقامات غربی یکی پس از دیگری

سرویس خارجی-

همزمان با انتشار پی‌درپی گزارش‌های رسواکننده از جزیره فحشای «جفری اپستین» مجرم جنسی، مقامات بلندپایه غربی یکی پس از دیگری در حال استعفا هستند.

انتشار ۳ میلیون سند جدید از ۱۹ میلیون سند پرونده جنجالی جزیره فحشای اپستین جنجال بسیار بزرگی در جهان به راه انداخته است. این اسناد از ارتباط گسترده این مجرم جنسی با بسیاری از مقامات نظامی و سیاسی غرب، رؤسای شرکت‌های بزرگ فناوری، هنرمندان، دانشمندان، بازیگران و... حکایت دارد. گزارش‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که در آینده انتشار اسناد بسیار جنجالی‌تر خواهد بود. «پم باندی» دادستان کل آمریکا در دولت ترامپ به صراحت گفته است که در «پرونده جفری اپستین هزاران هزار ویدئو از تجاوز به دختر بچه‌ها وجود دارد» که انتشار آن ترامپ و برخی دیگر از سران و مقامات آمریکا و اروپا را با خطر سقوط و حتی نابودی روبه‌رو می‌کند. روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» نوشته است در ۵۳۰۰ پرونده از گزارش جزیره فحشاء ۳۸هزار بار تنها به خود ترامپ ارجاع داده شده است. برخی رسانه‌ها نوشته‌اند افبی‌آی در حال پاک کردن ردپای ترامپ و دیگر مقامات بلندپایه آمریکا از این اسناد است. گفته می‌شود تصاویر مربوط به ارتباط نتانیاهو و اپستین هم از اسناد مربوطه حذف شده‌اند.

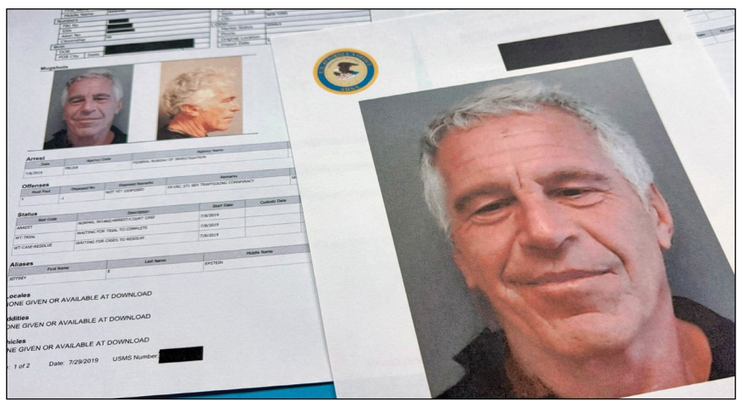

موج استعفاها در انگلیس

هنوز به طور کامل این اسناد منتشر نشده پس‌لرزه‌های این رسوایی موج استعفا در بین مقامات غربی را به راه انداخته است. در انگلیس «مورگان مک‌سوینی» رئیس دفتر «کر استارمر» نخست‌وزیر این کشور روز یکشنبه در بحبوحه رسوایی مربوط به روابط ادعایی میان «پیتر مندلسون» سفیر سابق بریتانیا در آمریکا و «جفری اپستین» قاچاقچی جنسی، از سمت خود استعفا داد. «مک‌سوینی» در نامه‌ای سرگشاده که توسط رسانه خبری «اسکای‌نیوز» منتشر شد، نوشت: «پس از تامل دقیق، تصمیم گرفتم از دولت استعفا دهم. تصمیم برای انتصاب پیتر مندلسون اشتباه بود. او به حزب ما، کشور ما و اعتماد در سیاست آسیب رسانده است.» رئیس دفتر استارمر گفت که «شخصا نامزدی مندلسون را برای این سمت تایید کرده و مسئولیت کامل این تصمیم را برعهده گرفته است. او همچنین اعتماد کامل خود را به استارمر ابراز کرد.» استعفای رئیس دفتر نخست‌وزیر انگلیس در پی جنجال تازه پرونده «مندلسون- اپستین»، همزمان با سقوط محسوس محبوبیت «کر استارمر»، بحران را از حلقه نزدیکان استارمر به شخص وی کشانده و گمانه‌ها درباره استعفای خود وی را نیز تشدید کرده است. براساس گزارش‌ها در پارلمان نیز صداهای معترض محدود به اپوزیسیون نمانده است. گزارش‌ها از افزایش نارضایتی در میان بخشی از نمایندگان حزب حاکم حکایت دارد که معتقدند دولت در مدیریت تبعات پرونده مندلسون- اپستین کند عمل کرده و با تأخیر، مسئولیت سیاسی را پذیرفته است. برخی منابع خبری در انگلیس هم از احتمال استعفای استارمر، نخست‌وزیر انگلیس در روزهای آینده به دلیل تشدید فشارها خبر می‌دهند. به نوشته روزنامه گاردین، احتمال استعفای استارمر در روزهای آینده قوت گرفته است. به نوشته این روزنامه استارمر که خود هیچ ارتباط مستقیمی با جفری اپستین نداشته، اکنون با خطر جدی از دست دادن سمت نخست‌وزیری روبه‌رو است؛ موضوعی که ریشه آن به رابطه نزدیک «پیتر مندلسون» سفیر سابق انگلیس در آمریکا با اپستین بازمی‌گردد. استارمر اذعان کرده بود که از این دوستی آگاه بوده، اما با وجود این، مندلسون را به سمت سفیر منصوب کرده بود. سال گذشته پس از انتشار بخشی از اسناد مرتبط با پرونده اپستین، استارمر او را برکنار کرد. با این حال، اسناد تازه منتشرشده نشان می‌دهد مندلسون احتمالاً در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ اطلاعات محرمانه و حساس بازار را در اختیار اپستین قرار داده است.

گزارش‌ها حاکی است «تیم آلن» مدیر ارتباطات «کر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس هم که پنج ماه پیش به این سمت منصوب شده بود، دیروز پس از جنجال‌های شدید درباره انتصاب «پیتر مندلسون» به عنوان سفیر انگلیس در آمریکا استعفا داده است.

استعفای وزیر پیشین فرهنگ فرانسه

در فرانسه هم پرونده جزیره فحشای اپستین قربانی گرفته است. وزارت امورخارجه فرانسه اعلام کرد وزیر پیشین فرهنگ این کشور پس از افشای مکاتبات گذشته‌اش با «جفری اپستین»، درباره روابطش با جفری اپستین استعفا کرده است. به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری «دی‌پی‌آی آلمان» وزیر خارجه نروژ در گفت وگو با خبرنگاران با اشاره به استعفای «موناجول» سفیر نروژ در اردن و عراق، گفت: این تصمیم درست و ضروری است. به نوشته تارنمای دی‌پی‌ای، جول نقشی کلیدی در مذاکرات مخفی بین مقام‌های رژیم صهیونیستی و فلسطینی داشت که منجر به پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ شد. براساس این گزارش اپستین در وصیت‌نامه خود ۱۰ میلیون دلار برای دو پسر «مونا جول» و همچنین «ترجه رودلارسن» همسر او و از چهره‌های دخیل در پیمان اسلو که به عنوان نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در غرب آسیا خدمت می‌کرد، به ارث گذاشته است.

جنجال در فلسطین اشغالی

در فلسطین اشغالی هم انتشار اسناد پرونده اپستین جنجالی به پا کرده است. به گزارش شبکه «تی‌آرتی» ترکیه، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، از بازگشت توجه رسانه‌ای به پرونده‌های اپستین، برای حمله به سلف خود، ایهود باراک، استفاده کرده و مدعی شده است که جفری اپستین، مجرم بدنام جنسی، «برای اسرائیل کار نمی‌کرده است» روزنامه جروزالم‌پست نیز گزارش داد که روابط باراک، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، با اپستین پس از دیدارهای آن‌ها در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ دوباره مورد توجه قرار گرفته است؛ سال‌هایی که مدت‌ها پس از نخستین محکومیت کیفری اپستین رخ داده بودند.

براساس این گزارش گزارش‌های زیادی نیز هستند که نشان می‌دهند که اپستین یک عامل موساد برای عملیات باج‌گیری بوده است؛ ادعاهایی که اغلب به پیشینه یهودی او و ارتباطاتش با تل‌آویو نسبت داده می‌شوند. این ادعاها توسط افرادی مانند «آری بن‌مناشه»، افسر پیشین اطلاعاتی اسرائیل، تقویت شده است؛ کسی که مدعی شد اپستین و دوست‌دخترش «گیلین مکسول» از دهه ۱۹۸۰ برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل کار می‌کرده‌اند. این افسر اطلاعاتی، «رابرت مکسول» پدر گیلین مکسول، را نیز یک عامل موساد توصیف کرده بود.

براساس این گزارش در مارس ۲۰۱۸ (اسفند ۱۳۹۶) اپستین در نامه‌ای به گیرنده‌ای ناشناس، به طور مفصل از کتابی نقل‌قول کرد که مدعی بود رابرت مکسول به‌دست جاسوسان اسرائیلی کشته شده است؛ زیرا تهدید کرده بود فعالیت‌هایی را که برای آن‌ها انجام داده بود، افشا می‌کند. به‌گفته اپستین، رابرت مکسول تهدید کرده بود در صورت پرداخت نکردن ۴۰۰ میلیون پوند برای نجات کسب‌وکار در حال ورشکستگی‌اش، عملیات‌های موساد را افشا خواهد کرد. مرگ مکسول در نوامبر ۱۹۹۱(آبان ۱۳۷۰) پس از سقوط از قایقش در نزدیکی جزایر قناری، همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

فارن پالیسی نوشت

چرخش اروپا به سمت روسیه پس از ناامیدی از آمریکا

سرویس خارجی-

«فارن‌پالیسی» در گزارشی با اشاره به ناامیدی اروپا از آمریکا در جنگ اوکراین از چرخش به سمت روسیه از سوی سران کشورهای اروپایی خبر داده است.

جنگ اوکراین در حالی به چهارمین سال خود نزدیک می‌شود که به‌رغم همه تلاش‌های انجام‌شده برای برقراری آتش‌بس، حملات متقابل روسیه و اوکراین علیه یکدیگر ادامه دارد. تاکنون تمامی مذاکرات در این زمینه علی‌رغم خوش‌بینی‌های اولیه به شکست منجر شده است و به گفته مقامات دو طرف، دو موضوعِ تضمین‌های امنیتی و واگذاری منطقه بزرگ دونباس به روسیهَ مذاکرات آتش‌بس را به بن‌بست کشانده است. از سوی دیگر عدم مشارکت دادن اروپا در بحث‌های مربوط به آتش‌بس از سوی آمریکا، سران قاره سبز را به‌شدت عصبانی و ناامید کرده است. ناامیدی اروپا از آمریکا طی سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی بحث‌های سیاسی و راهبردی در اروپا تبدیل شده است. در حالی که اروپا از آغاز جنگ، هزینه‌های اقتصادی، انرژی و امنیتی سنگینی را متحمل شده، بسیاری از سیاستمداران اروپایی احساس می‌کنند که آمریکای دوره ترامپ بیش از آن که شریک آنها باشد، بازیگر مسلطی است که اولویت‌ها و منافع خود را بر متحدانش تحمیل می‌کند. یکی از مهم‌ترین عوامل این ناامیدی، وابستگی شدید اروپا به تصمیمات واشنگتن در حوزه نظامی و امنیتی است. کمک‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و حتی تعیین خطوط قرمز در قبال روسیه عمدتاً از سوی آمریکا شکل گرفته و نقش اروپا را به یک ناظر بی‌خاصیت تقلیل داده است. از منظر اقتصادی نیز اروپا خود را بازنده‌تر می‌بیند. بحران انرژی، تورم و رکود صنعتی بیش از همه به کشورهای اروپایی آسیب زده، در حالی که آمریکا با صادرات انرژی و جذب سرمایه، بخشی از این بحران را به فرصت تبدیل کرده است. این وضعیت باعث شده بحث «خودمختاری راهبردی اروپا» دوباره جان بگیرد و ایده فاصله گرفتن تدریجی از وابستگی امنیتی به آمریکا جدی‌تر شود. ترامپ همچنین طی یک‌سال گذشته بارها سر موضوع اوکراین و کم‌وبیش سایر مسائل مثل گرینلند سران اروپا را به سخره گرفته است. ترامپ اخیراً نیز یک تصویر دستکاری‌شده قدیمی از دیدار خود با رهبران اروپایی را بار دیگر در فضای مجازی بازنشر کرده و سران اروپا را به سخره گرفت. این تصویر که اولین‌بار ماه‌ها پیش طی دیدار رئیس‌جمهور آمریکا با رهبران اروپایی در کاخ‌سفید منتشر شد، نقشه خطوط مقدم در جنگ اوکراین و روسیه را نشان می‌داد، اما کمی بعد، ترامپ نسخه‌ای دستکاری‌شده از آن را بازنشر کرد که به‌جای نقشه اوکراین، نقشه قاره آمریکا دیده می‌شد. در این نقشه، علاوه‌بر خاک کنونی آمریکا، کشورهای کانادا و ونزوئلا و همچنین جزیره خودگردان گرینلند نیز به‌عنوان بخشی از خاک آمریکا نمایش داده شده بود!

برگشت به سمت روس‌ها

نشریه آمریکایی «فارن‌پالیسی» هم در گزارشی با اشاره به این ناامیدی نوشته است: سران کشورهای اروپایی به دلیل رویکرد تعاملی رئیس‌جمهور آمریکا با روسیه به طور جدی در حال آماده‌شدن برای بازسازی روابط خود با روسیه هستند. به گزارش ایرنا، در گزارش فارن‌پالیسی آمده است: سران کشورهای اروپایی از مانع‌تراشی ترامپ در مشارکت آنها در تدوین توافق صلح اوکراین و همچنین موضع وی در سایر موارد از جمله گرینلند، ناامید شده‌اند. براساس این گزارش، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه و جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا از برجسته‌ترین طرفداران بازسازی روابط با روسیه بوده‌اند. گزارش فارن‌پالیسی می‌افزاید: ماکرون به تازگی امانوئل بون مشاور سیاست‌خارجی خود را به مسکو فرستاد تا با یوری اوشاکوف دستیار رئیس‌جمهور روسیه دیدار و درباره راه‌های تقویت ارتباطات بین پاریس و مسکو گفت‌وگو و رایزنی کند. براساس گزارش فارن‌پالیسی، تعداد سیاستمداران اروپایی که از ایجاد کانال‌های ارتباطی و بازسازی روابط با روسیه حمایت می‌کنند، به طور پیوسته در حال افزایش است.

جمهوری چک: باید با پوتین حرف بزنیم

همسو با گزارش فارن‌پالیسی نخست‌وزیر جمهوری چک هم در اظهاراتی با تاکید بر لزوم برقراری صلح در اوکراین، تاکید کرد که سران کشورهای اروپایی باید گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را برای یافتن راه‌حلی جهت پایان دادن به جنگ اوکراین آغاز کنند. به گزارش ایرنا خبرگزاری ریانووستی، «آندری بابیش» با یادآوری اینکه سران کشورهایی اروپایی اکنون شروع به گفت‌وگو درباره چگونگی مذاکره با رئیس‌جمهور روسیه کرده‌اند، اظهار کرد: چرا پیش از این، وقتی ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان با ولودیمیر زلنسکی و پوتین دیدار کرد، همه او را محکوم می‌کردند. وی همچنین ضمن تاکید بر اینکه سران کشورهای کلیدی قاره اروپا قادر هستند با پوتین وارد مذاکره شوند، گفت: کشورهای اروپایی باید گفت‌وگوهای مستقیم با مسکو را به‌عنوان شرط لازم برای برقراری آتش‌بس از سر بگیرند.

اختلاف در اروپا

روزنامه آلمانی «برلینر سایتونگ» هم در گزارشی با اشاره به امتناع «فردریش مرتس» صدراعظم آلمان از انجام مذاکرات مستقیم با روسیه درباره اوکراین که در مغایرت با رویکرد سایر کشورهای اتحادیه اروپا است، نوشت: این رویکرد برلین ممکن است بیانگر بروز اختلاف در مواضع کشورهای اروپایی درخصوص نحوه تعامل با روسیه باشد. به گزارش ایرنا، در گزارش «برلینر سایتونگ» آمده است: ایتالیا و فرانسه به عنوان دو عضو مهم اتحادیه اروپا خواستار از سرگیری گفت‌وگو با روسیه شده‌اند و این رویکرد آنها با استقبال سایر اعضای اتحادیه اروپا مواجه شده است. این در حالی است که آلمان در تلاش‌های دیپلماتیک خود خویشتنداری نشان داده و تاکنون هیچ ابتکار عملی درخصوص آغاز گفت‌وگوهای مستقیم با روسیه از خود نشان نداده است. براساس این گزارش، مرتس هفته گذشته در اظهاراتی حتی علیه مذاکرات مستقیم با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه موضع گرفت و گفت که در مورد چشم‌انداز تعامل مجدد با کرملین تردید دارد.

بعد از ۴۵ سال

قاتل شهید سیدمحمد باقر صدر به دار آویخته شد

سرویس خارجی-

دستگاه امنیت ملی عراق از اجرای حکم اعدام یکی از عوامل اصلی جنایات دوران رژیم بعث خبر داد، فردی که به مشارکت مستقیم در ترور ۴۵ سال پیش شهید آیت‌الله «سید محمدباقر صدر» و بانوی شهید، «بنت‌الهدی صدر»، و نیز ارتکاب مجموعه‌ای از جنایات انسانی محکوم شده بود.

«سید محمدباقر صدر»، عالم، مرجع و فیلسوف شیعی برجسته عراقی معاصر، که به نوگرایی و نبوغ شناخته می‌شد، با تألیفاتی چون «اقتصادنا»، «فلسفتنا»، «الاسس المنطقیة للاستقراء» و... پایه‌های فکری جنبش‌های اسلامی معاصر را تقویت کرد و به عنوان منتقد سرسخت رژیم بعثی، نقش مهمی و البته غیرمستقیمی در بسیج شیعیان عراق علیه سرکوب‌های «صدام حسین» ایفا کرد؛ همچنین خواهرش «آمنه» یا «بنت‌الهدی صدر»، به عنوان نویسنده و فعال اجتماعی، با داستان‌ها و آموزش‌هایش زنان مسلمان را به سوی آگاهی دینی و مقاومت سیاسی سوق داد و تأثیر عمیقی بر نسل جوان گذاشت. این دو در دوران حاکمیت بعثی، که با سرکوب شدید مخالفان مذهبی همراه بود، ابتدا در سال ۱۹۷۹ دستگیر شدند اما به دلیل اعتراضات مردمی آزاد گردیدند و تحت حصر خانگی قرار گرفتند؛ سپس در پنجم آوریل ۱۹۸۰ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، نیروهای امنیتی رژیم بار دیگر به خانه‌شان در نجف یورش بردند، آنان را بازداشت کرده و به بغداد منتقل نمودند، جایی که تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند و سرانجام در نهم آوریل (۱۹ اردیبهشت) همان سال، پس از سه روز آزار، اعدام شدند و پیکرشان در نجف اشرف به خاک سپرده شد، رویدادی که خشم شیعیان را برانگیخت و به عنوان نمادی از مقاومت در برابر استبداد بعثی ماندگار گردید.

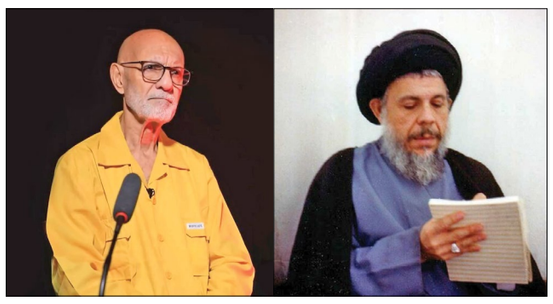

بالاخره مجازات شد

حالا پس از حدود ۴۵ سال، دستگاه امنیت ملی عراق، روز دوشنبه، اعلام کرد حکم اعدام «سعدون صبری قیسی» از محکومان پرونده قتل شهید آیت‌الله «سید محمدباقر صدر» و «بنت‌الهدی صدر»، خواهر ایشان، پس از طی کامل مراحل قضائی، اجرا شده است. «ارشد الحاکم»، سخنگوی دستگاه امنیت ملی عراق، در گفت‌وگو با خبرگزاری رسمی این کشور (واع) گفت: «براساس تلاش‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی دستگاه امنیت ملی و پس از تکمیل تمامی تشریفات قانونی، حکم اعدام این مجرم با طناب دار به اجرا درآمد. این فرد به ارتکاب جنایات انسانی سنگین محکوم شده بود که از جمله آن‌ها می‌توان به نقش مستقیم در قتل شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، مشارکت در کشتار شماری از علمای خاندان حکیم و قتل تعدادی از شهروندان بی‌گناه اشاره کرد.» آن‌طور که «ایسنا» نوشته است، به گفته مقام‌های امنیتی عراق، صبری قیسی سال گذشته در اعترافات خود اذعان کرده بود که با سلاح شخصی‌اش اقدام به اجرای حکم اعدام شهید صدر و بنت‌الهدی صدر کرده و همچنین در اعدام‌های جمعی مخالفان به اتهام عضویت در حزب الدعوه نقش داشته است. وی همچنین به اعدام هشت شهروند و دفن آن‌ها در گورهای جمعی در مناطق فلوجه و پل دیالی، اعدام دو تن از جوانان خاندان سادات آل‌حکیم و قتل یکی از مخالفان در اهوار ناصریه اعتراف کرده بود.

آشنایی بیشتر با این قاتل خطرناک

گفته می‌شود که قیسی در زمان نظام سابق عراق مسئولیت‌های مختلفی از جمله مدیر امنیت ادارات و مدیر امنیت استان‌های بصره و نجف را برعهده داشت. به گزارش «مهر» صبری بعد از سقوط رژیم بعثی عراق در سال ۲۰۰۳ به سوریه فرار و با نام جعلی «حاج صالح» در آن‌جا زندگی کرد. در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۱) نیز به اربیل واقع در اقلیم کردستان عراق بازگشت. سرلشکر سعدون صبری معروف به «سرتیپ نزار»، مدیر شعبه پنجم استخبارات عراق در دوران صدام، در آذرماه سال ۱۴۰۳، بعد از چند سال تلاش و پیگیری مستمر، دستگیر شد. براساس اطلاعات منتشر شده در مورد این افسر استخبارات رژیم بعث عراق او تاکنون به اعدام و قتل ۲۰هزار عراقی اعتراف کرده است.

عملیات ویژه حشد علیه زیرساخت‌های داعش

خبر دیگر از عراق آن‌که سازمان حشدال